

توسعه مشارکتی محله فرحزاد تهران به عنوان تفرجگاه و مقصد گردشگری: بستر و موانع

پویا علاءالدینی -

آمنه میرزایی -

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

چکیده

در این مقاله، بستر و موانع توسعه مشارکتی یکی از تفرجگاه‌های اصلی و محلات سیاحتی تهران، موسوم به فرحزاد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. طی مقاله، نخست وضعیت فرحزاد از منظر سکونت/ محیط مصنوع، ویژگی‌های اجتماعی و گسترش کسب‌وکارهای خدمات‌رسان جهت بازدیدکنندگان توصیف و ذی‌نفعان اصلی توسعه محله شناسایی می‌شود. سپس، بستر و موانع توسعه فعالیت‌های تفرجی و سیاحتی در فرحزاد در دو محور عملیاتی - ساختاری و اجتماعی - فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین منظور، هم برنامه‌های تهیه‌شده توسط بخش عمومی جهت فرحزاد و هم دیدگاه‌های ذی‌نفعان مختلف در مورد بستر و موانع مشارکت تحلیل می‌شود. روش‌های به‌کارگرفته‌شده جهت مطالعه حاضر مشتمل بر تحلیل طرح‌ها و داده‌های موجود، مشاهده و نیز مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با بازدیدکنندگان، ساکنان، دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و دیگر ذی‌نفعان بوده است. نتایج تحلیل برنامه‌های تهیه‌شده جهت فرحزاد که در لفظ و ظاهر بر ماهیت سکونتی - گردشگری محله تأکید می‌ورزند، حاکی از کم‌توجهی به جنبه‌های اجتماعی توسعه و به ویژه مشارکت جماعت محلی است. همچنین، بر پایه مصاحبه‌ها و مشاهدات، سطح پایین آگاهی، انسجام و همبستگی اندک، ناهماهنگی میان اهداف و تمهیدات نهادهای بخش عمومی و مشکل مالکیت امکان مشارکت محلی را، از جمله در توسعه فعالیت‌های تفرجی و سیاحتی، کاهش داده است.

کلید واژگان: تفرجگاه، توسعه مشارکتی، تهران، جماعت محلی، گردشگری، فرحزاد.

مقدمه

گسترش شتابان شهرنشینی در ایران تفرجگاه‌های پیرامون شهرهای کشور را از موقعیت ویژه‌ای به عنوان مکان‌های گذران اوقات فراغت و مقاصد گردشگری برخوردار کرده است. تفرجگاه‌های حومه شهرهای بزرگ، به ویژه تهران، طی سال‌های گذشته پذیرای خیل بزرگی از بازدیدکنندگان بوده و با تداوم افزایش تقاضا روبرو شده‌اند. از جمله کوه‌دره‌های شهر تهران با داشتن مناظر زیبا و آب‌وهوای نسبتاً خوب به مهم‌ترین تفرجگاه‌های پیرامونی پایتخت تبدیل گشته و گسترش کالبدی قابل توجهی یافته‌اند.

فرحزاد یکی از کوه‌دره‌های شهر تهران با ویژگی‌های برجسته تفرجگاهی و سیاحتی و در عین حال بافت اجتماعی و کالبدی مختلط و ناهمگون است. این محله در مطالعات جامع تهران به عنوان دهکده تفریحی نمونه مورد عنایت قرار گرفته و جهت آن در سال ۱۳۸۹ پژوهشی در قالب طرح منطقه نمونه گردشگری فرحزاد نیز انجام شده است. همچنین، فرحزاد دارای طرح‌های تفصیلی، منظر و بهسازی/ساماندهی است. در عین حال، نظر به بافت اجتماعی و کالبدی خاص فرحزاد از یک‌سو و گسترش شتابان کسب‌وکارهای خدمات‌رسان در آن طی سال‌های گذشته از سوی دیگر، نوعی برنامه‌ریزی منسجم و هدفمند برای ساماندهی فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی جهت این محله، با تأکید بر ابعاد اجتماعی توسعه و مشارکت ذی‌نفعان، ضروری به نظر می‌رسد.

هدف مقاله حاضر تحلیل بستر و موانع توسعه مشارکتی فرحزاد به عنوان یکی از مقاصد مهم تفریحی و سیاحتی تهران با عنایت به گسترش خودانگیخته کسب‌وکارهای بخش خصوصی، برنامه‌های صورت‌بندی‌شده جهت محله و دیدگاه‌های ذی‌نفعان است. در بخش بعدی، رویکرد تحلیلی و روش پژوهش توضیح داده می‌شود. پس از آن، نخست وضعیت اسکان/محیط مصنوع و فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی فرحزاد توصیف و ذی‌نفعان اصلی شناسایی می‌شود. متعاقباً بستر و موانع توسعه مشارکتی فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی در فرحزاد طی دو محور عملیاتی- ساختاری و اجتماعی- فرهنگی به واسطه ارزیابی برنامه‌های صورت‌بندی‌شده جهت محله، مشاهدات و مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با ذی‌نفعان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بخش پایانی مقاله مشتمل بر نتیجه‌گیری کلی از یافته‌ها و ارائه پیشنهاد است.

رویکرد تحلیلی و روش پژوهش

بسیاری از تحلیلگران گردشگری طی سال‌های گذشته بر اهمیت مشارکت جماعت محلی در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه گردشگری تأکید کرده‌اند (بنگرید به سیمونز^۱، ۱۹۹۴؛ مرفی^۲، ۱۹۸۵؛ کوگ^۳، ۱۹۹۰؛ وودلی^۱، ۱۹۹۳؛ هیوود^۱، ۱۹۸۸). در عین حال،

^۱ Simmons

^۲ Murphy

^۳ Keogh

تحقق مشارکت محلی، به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، توأم با موانع و پیچیدگی‌های متعددی است. تسون^۳ (۱۹۹۹: ۶۱۸-۶۲۵؛ همچنین بنگرید به تسون و تیموثی^۴، ۲۰۰۳) محدودیت‌های مشارکت جامعه محلی در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری در کشورهای در حال توسعه را در سه مجموعه عملیاتی (تمرکز نظام برنامه‌ریزی، عدم هماهنگی و نیز فقدان اطلاعات)، ساختاری (رویکردهای ایستا یا فقدان مهارت دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی، تسلط نخبگان، فقدان چارچوب قانونی لازم، سطح نازل توانایی‌های نیروی انسانی و نیز هزینه بالای مشارکت در مقابل منابع محدود مالی) و فرهنگی (ظرفیت کم فقرا و نیز بی‌علاقگی و آگاهی کم جماعت محلی) طبقه‌بندی کرده است. دیگر محققان نیز به اشکال مختلف به موانع یادشده اشاره کرده‌اند (بنگرید به بوتز و فن‌رتزبورگ^۵، ۲۰۰۰؛ لی^۶، ۱۹۸۸؛ کول^۷، ۲۰۰۶؛ تیموثی^۸، ۱۹۹۹؛ جمال و گتز^۹، ۱۹۹۵).

با توجه به بحث فوق و نیز وضع کلی فرحزاد و امکانات و محدودیت‌های محققان، مطالعه حاضر بستر و موانع توسعه مشارکتی فعالیت‌های گردشگری را به شکلی خلاصه‌تر طی دو محور عملیاتی- ساختاری (صورت‌بندی و اجرای برنامه‌های مشارکتی و نیز هماهنگی و مشارکت‌طلبی دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی) و اجتماعی- فرهنگی (دیدگاه‌های ذی‌نفعان در مورد فرصت‌های توسعه فعالیت‌های گردشگری، انسجام اجتماعی و علاقه به مشارکت) مورد توجه قرار می‌دهد. قسمت اصلی پژوهش میدانی و گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت دو محور یادشده در چند گام در اواخر سال ۱۳۹۰ به شرح ذیل انجام و پس از آن جهت تهیه این مقاله در پایان سال ۱۳۹۳ از طریق اخذ برخی اطلاعات دیگر تکمیل شده است.

در آغاز کار، اطلاعات جسته-گریخته موجود در مورد وضعیت تفرجی و سیاحتی فرحزاد گردآوری شد. متعاقباً از طریق مشاهده کسب‌وکارهای خدمات‌رسان جهت بازدیدکنندگان از فرحزاد طی چند نوبت وضعیت ظاهری، نحوه پذیرش، شکل چیدمان و نوع مشتریان آنها ثبت گردید. بر اساس این مشاهدات و با عنایت به دو محور یادشده، مجموعه‌ای از موضوعات/سؤال‌ها جهت مصاحبه با مدیران رستوران‌ها و مشتریانانشان صورت‌بندی و نهایتاً ۱۸ مصاحبه با مدیران و کارکنان رستوران و مشتریانانشان انجام شد. در ادامه، تحلیل اولیه ذی‌نفعان از منظر توسعه مشارکتی فعالیت‌های تفرجی و سیاحتی از طریق شناسایی ذی‌نفعان اصلی و تعیین قابلیت اثرگذاری و اهمیت هر گروه از آنان صورت

¹ Woodley

² Haywood

³ Tosun

⁴ Tosun and Timothy

⁵ Botes and Von Rensburg

⁶ Lea

⁷ Cole

⁸ Timothy

⁹ Jamal and Getz

گرفت. اطلاعات مورد نیاز جهت آن طی بحث متمرکز گروهی با حضور ۷ نفر از مطلعان، شامل اعضای کارگروه‌های اجتماعی- فرهنگی، ورزشی و فراغتی سرای محله فرحزاد، جمع‌آوری شد.

در گامی دیگر، همه برنامه‌های مرتبط با فرحزاد، مشتمل بر نخستین طرح جامع تهران مصوب ۱۳۴۹ (مهندسين مشاور فرمانفرمائيان و موسسه ويكتور گروئن، ۱۳۴۷)، *الگوی توسعه منطقه ۲* (وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران، ۱۳۸۴)، آخرین طرح جامع تهران (وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران، ۱۳۸۵)، *طرح بهسازی و ساماندهی فرحزاد* (مهندسين مشاور سراوند، ۱۳۸۶)، *طرح منظر شهری تهیه‌شده جهت فرحزاد* (مهندسين مشاور سراوند، ۱۳۸۷)، *طرح تفصیلی منطقه ۲* (مهندسين مشاور سراوند، ۱۳۸۵) و *طرح جامع منطقه نمونه گردشگری فرحزاد* (مهندسين مشاور مهران‌نقش، ۱۳۸۹) از منظر گردشگری و مشارکت جامعه محلی مورد تحلیل قرار گرفتند. مشخصاً، یک بار کلیه متون با تکیه بر اهداف، چشم‌اندازها و توجه به جنبه‌های تفریحی و سیاحتی فرحزاد خوانده شدند و سپس از منظر مفاهیم مشارکت محلی مورد بازخوانی قرار گرفتند. همچنین، گزارش *اتنوگرافی (گزارش زمینه‌ها و فرصت‌های توانمندسازی محله فرحزاد)* تهیه‌شده توسط مهندسين مشاور سراوند (۱۳۹۰) مطالعه شد و با دو کارشناس برنامه طرح بهسازی/ساماندهی، دو کارشناس اجتماعی دفتر نوسازی بافت فرسوده و یک کارشناس طرح جامع گردشگری مصاحبه به عمل آمد.

سرانجام، از ذی‌نفعان شناسایی‌شده طی تحلیل اولیه شامل شهرداری، مدیریت محله، مهاجران، بومیان، زنان و کودکان، مصاحبه‌های انفرادی و گروهی به عمل آمد. به طور مشخص، دو بحث گروهی، یکی با بومیان (ساکنان قدیمی‌تر) فرحزادی و دیگری با حضور بومیان و مهاجران، صورت گرفت. همچنین، ۶ مصاحبه انفرادی با معاونت‌های مختلف شهرداری و شهردار ناحیه و نیز ۱۰ مصاحبه انفرادی با دیگر ذی‌نفعان (مدیر محله، شورایی، امام جماعت، سازمان غیردولتی نهال رویش، صاحبان فعلی و سابق رستوران‌ها و بزرگ‌مالکان زمین در فرحزاد) انجام شد.

بقیه مقاله پیش از قسمت نهایی جمع‌بندی/پیشنهاد در دو بخش اصلی تنظیم شده است. بخش بعدی مشتمل است بر توصیف سکونت/محیط مصنوع، فعالیت‌های تفریحی/گردشگری و گروه‌های ذی‌نفع در فرحزاد. در بخش دیگر بستر و موانع اجرای برنامه‌های مشارکتی توسعه فعالیت‌های تفریحی/سیاحتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

رخ‌نمای کالبدی و اجتماعی - اقتصادی فرحزاد

وضع اسکان و محیط مصنوع

طبق منابع پراکنده موجود از جمله طرح شناسنامه محلات شهرداری منطقه دو تهران (شهرداری منطقه دو، ۱۳۸۹)، تاریخ سکونت در فرحزاد به پیش از اسلام بازمی‌گردد. ظاهراً

هسته اصلی ساکنان کنونی فرحزاد به لحاظ قومی مرتبط با مردمان شمال کوه‌های البرز بوده است. همچنین معروف است که حدود دویست سال قبل تعدادی خانوار خراسانی و کرمانی نیز در فرحزاد اسکان یافتند. از این رو تا پیش از دوران معاصر، فرحزاد به سه زیر محله فرحزادی‌ها (اهالی اولیه)، خراسانی‌ها و کرمانی‌ها تقسیم می‌شده است. در دوره پهلوی، مهاجران دیگری از قوچان به ساکنان قبلی پیوستند و به واسطه افزایش جمعیتشان زیر محله‌ای هم به نام قوچانی‌ها در فرحزاد شکل گرفته است. پس از انقلاب و شروع جنگ، فرحزاد پذیرای مهاجرانی از آذربایجان و طالقان نیز شد. آذربایجانی‌ها نزدیک امامزاده ابوطالب زیر محله‌ای به نام خلخال‌ها برای خود بر پا کرده‌اند و طالقانی‌ها هم دارای زیر محله‌ای به نام الموتی‌ها شده‌اند. گروه مهاجر مهم دیگر مشتمل بر اتباع افغانستان است که طی چهار دهه گذشته در فرحزاد اسکان یافته‌اند و اکنون در تمامی محله پخش و از این رو فاقد زیر محله ویژه‌ای برای خود هستند.

فرحزاد در محدوده‌ای کوهستانی واقع شده است. بافت قدیمی کنار رودخانه و ساختمان‌سازی‌های بعدی بر سرایشی قرار گرفته‌اند. عرض کوچه‌های فرحزاد کم و پیاده‌راه‌های آن پلکانی و ناموزون است. طی چند دهه اخیر ساخت‌وسازهای شتابان بر بی‌نظمی فضایی و مشکلات شبکه‌های پیچ‌درپیچ معابر افزوده است. اکثر ساکنان فرحزاد در املاک قولنامه‌ای زندگی می‌کنند و صاحب سند نیستند (مهندسین مشاور سروند، ۱۳۸۹). بسیاری از اهالی زیر محله‌های الموتی و خلخال در ساختمان‌هایی با کیفیت بسیار نازل سکنی دارند که احتمالاً انعکاسی از وضعیت غیرقطعی مالکیت است. افزون بر این، تعدادی از مهاجران فقیرتر همچنان در دره فرحزاد آلودگ‌نشین هستند.^۱

پس از انقلاب، بخشی از زمین‌های فرحزاد به سازمان‌های دولتی واگذار و از آنها جهت مسکن‌سازی برای کارکنانشان بهره‌برداری شد. این مجتمع‌ها که امروزه به نام سازمان‌های متبوعشان معروف‌اند، دارای چینی‌جاهایی متفاوت و مجزا از دیگر بخش‌های مسکونی فرحزاد هستند. برخی از آنها در سطحی بالاتر از تراز ۱۸۰۰ متر ساخته شده‌اند و خطر آفرین محسوب می‌شوند. در کنار این مجتمع‌ها، ساخت‌وسازهایی که بدون رعایت ضوابط و بعضاً به شکل خانه‌های خشت‌وگلی و آلودگی صورت گرفته مأمّن قشرهای فرودست را فراهم آورده است. ساختار کالبدی ناموزون و تضادهای آن طبعاً همراه با مجموعه‌ای از مشکلات اجتماعی و فرهنگی و امنیتی است. فرسودگی کالبدی در بخش‌هایی از فرحزاد موجب خروج طبقات متوسط و بالا و به تبع آن نزول سرمایه‌گذاری و گسترش فقر در آنها شده است.

^۱ شهرداری اکنون (پایان سال ۱۳۹۳) در حال تخریب و پاکسازی دره از طریق خرید خانه‌هاست. این قبیل اقدامات ممکن است خالی از جنبه‌های قهری نباشد و البته معلوم نیست اهالی دره موفق به اسکان مجدد در جایی دیگر از محله خواهند شد یا خیر. گفته می‌شود تعدادی از معتادان که در دره فرحزاد ساکن بودند بعد از این اقدام بدون هیچ‌گونه ساماندهی در محله پخش شده‌اند.

کارکرد گذشته اقتصادی فرحزاد و الگوی معیشت مردم آن، از جمله زراعت (به ویژه باغداری) و دامداری، به تدریج دستخوش تغییر گشته است. نقش فعالیت‌های کشاورزی با آلوده شدن منابع آبی و از دست رفتن زمین‌ها به حداقل رسیده است. در مقابل، به مرور زمان با تأسیس قهوه/چای‌خانه‌ها (در اصل جهت خدمت‌رسانی به زائران امامزاده داوود)، فرحزاد تبدیل به تفرجگاه افرادی شده است که برای گذران اوقات فراغت به این منطقه پیرامونی شهر روی می‌آورند. استقبال روزافزون باعث شده بومیان فرحزاد بسیاری از باغ‌های خود را به باغ-رستوران مبدل کنند، به گونه‌ای که امروزه خیابان اصلی فرحزاد مملو از رستوران و قهوه/چای‌خانه است که عامل اصلی جاذبه به محل نیز محسوب می‌شوند. اجرای طرح بزرگراه یادگار امام باعث تسهیل دسترسی به فرحزاد و استقبال بیشتر از رستوران‌ها برای گذران اوقات فراغت شده است. به واسطه توسعه محله و نیز دسترسی بهتر تعداد کسب‌وکارهای شست‌وشو و تعمیر خودرو، سنگ فروشی‌ها و برخی کارگاه‌های دیگر نیز طی سال‌های اخیر در فرحزاد رو به افزایش نهاده است. این فعالیت‌ها در حاشیه خیابان فرحزادی با فعالیت‌های تفرجی موجود درهم آمیخته است.

وضع فعالیت‌های تفرجی/سیاحتی

وجود زیارتگاه امامزاده داوود و مسیر زیبای آن از دیرباز یکی از جاذبه‌های سیاحتی و زیارتی فرحزاد نزد مردم تهران بوده است. زائران دو امامزاده دیگر در فرحزاد، به نام‌های ابوطالب و صالح تا چند سال اخیر اکثراً خود اهالی محل بوده‌اند. با احداث جاده کن-سولقان، مسیر امامزاده داوود تا حد زیادی جنبه زیارتی خود را از دست داده، ولی جاذبه تفرجی خود را همچنان حفظ کرده است.

در حال حاضر، مهم‌ترین جاذبه‌ها و به تبع آن منابع درآمدی در محله فرحزاد رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها هستند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از مرکز بهداشت فرحزاد، تعداد این رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها ۳۷ باب در سال ۱۳۸۵ و ۸۴ باب در سال ۱۳۹۰ در محله ثبت شده است. قطع نظر از منافع اقتصادی این توسعه شتابان، رشد خودانگیخته رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها و غلبه مقاصد سودجویانه صرف بی‌نظمی کالبدی و احتمالاً برخی مشکلات اجتماعی و فرهنگی محله را تشدید کرده است. از جمله، طبق نظر بسیاری از مصاحبه‌شدگان، در کنار توسعه رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها، فعالیت‌های غیرقانونی مانند خرید و فروش مواد مخدر و فحشا نیز شکل گرفته است. مشاهدات محققان و نیز نتایج مصاحبه‌ها با شوراییاری، مدیر محله، خانه سلامت و سازمان غیردولتی نهال رویش این نظر را تا حد زیادی تأیید می‌کند.

معدودی از رستوران‌ها در فرحزاد، به سبب داشتن نمای بیرونی و درونی جلب‌کننده و کارکنانی با لباس‌های متحدالشکل و حداقلی از تجربه، رضایت نسبی مشتریان را به دست آورده و به عنوان مکان‌های نمونه در میان آنان شناخته شده‌اند. تعداد دیگری از رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها نمای خاصی ندارند و بیشتر به دست صاحبانشان به صورت سرپناه ساخته

شده‌اند. خدمه این قبیل رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها بیشتر بر اساس آشنایی و قومیت مشترک طی چند ماه اخیر استخدام شده‌اند و اغلب فاقد حداقل مهارت یا آراستگی ظاهر هستند. هرچند رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها به لحاظ خوراک و نوشیدنی و قلیان فرق چندانی با هم ندارند، اما بر حسب مساحت، چیدمان، جنس تخت‌ها و ظاهر کارکنان تفاوت زیادی میان قیمت‌هایشان مشاهده می‌شود. بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، شماری از مالکان رستوران‌ها به سبب فشار کاری از یک‌سو و افزایش اجاره‌بهای مستغلات از سوی دیگر پس از چند سال کار محل کسب خود را به دیگری (اغلب یکی از کارکنان همان رستوران) کرایه داده و از محل خارج شده‌اند. در کل به نظر می‌رسد گردش فعالان اقتصادی، چه گردانندگان واحدهای کسب و چه کارکنانشان، در محله زیاد است.

بر اساس مشاهدات میدانی و مصاحبه‌ها، بیشتر مشتریان رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌های فرحزاد ساکنان غرب و شمال غرب تهران و بین سنین ۲۰ تا ۴۰ سال هستند. همچنین، بسیاری از آنان مجرد و تعداد زیادی نیز دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. انگیزه‌های کلی مشتریان رستوران‌ها و قهوه/چای‌خانه‌ها از حضور در فرحزاد، بر اساس مصاحبه با آنان، شامل به دست آوردن آرامش، صرف قلیان و دسترسی آسان به آب‌وهوای به نسبه بهتر است. صرف نظر از اینها، امکان حضور طولانی‌مدت همراه دوستان، مقرون به صرفه بودن و احساس امنیت بیشتر نسبت به دیگر فضاهای تفریحی/سیاحتی پیرامون تهران از عوامل جذب مشتریان به محل هستند. همچنین، امکان حفظ حریم خصوصی فرد و تمایل به صرف غذا در خارج از منزل نزد مجردان انگیزه‌های برجسته‌ای برای حضور در محل شمرده می‌شوند. برخی از مشتریان جلسات کاری خود را در فرحزاد برگزار می‌کنند که به زعم آنان بانشاطتر است.

تحلیل اولیه ذی نفعان

نخستین گام در تحلیل ذینفعان توسعه فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی در فرحزاد شناسایی آنان بود. بدین منظور، با همکاری مسئولان سرای محله از تعدادی مطلع محلی، از جمله اعضاء کارگروه‌های فرهنگی- فراغتی، جهت شرکت در جلسه‌ای دعوت به عمل آمد. طبق نتایج این جلسه، طیف وسیعی از گروه‌ها و نهادها در توسعه فرحزاد ذی‌نفع هستند که می‌توان آنها را به اجمال در سه گروه اصلی نهادهای رسمی، نهادهای غیررسمی و ساکنان طبقه‌بندی کرد. حاضران در جلسه معتقد بودند شهرداری به عنوان متولی اصلی برنامه‌های توسعه محله تأثیرگذارترین ذی‌نفع و نظر به منابعی که در اختیار دارد تصمیم‌گیرنده و بازیگر اصلی در بهبود یا ثبیت شرایط است. به گفته آنان، سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه، شورایاری، مدیریت محلی و امام جماعت نیز به طور بالقوه در فعالیت‌های توسعه گردشگری نقشی بسزا یا تأثیرگذار دارند. ساکنان فرحزاد تا حد زیادی به گروه‌های قومی به ویژه دو دسته مهاجران و بومیان قابل تقسیم هستند. تعدادی از بومیان فرحزاد در زمره سرمایه‌داران و صاحبان املاک با تأثیرگذاری زیاد قرار دارند. شرکت‌کنندگان در جلسه همچنین

مهاجران، زنان و کودکان را گروه‌های بالقوه آسیب‌پذیر و از ذی‌نفعان اصلی برشمردند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل اولیه ذی‌نفعان به عنوان راهنمای مصاحبه‌ها جهت بخش بعدی مقاله مشتمل بر تحلیل بستر و موانع اجرای برنامه‌های مشارکتی توسعه فعالیت‌های تفریحی/سیاحتی طی دو محور عملیاتی- ساختاری و اجتماعی- فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته است.

بستر و موانع توسعه فعالیت‌های تفریحی/سیاحتی

بستر و موانع عملیاتی- ساختاری

در طرح‌های شهری، چه طرح‌های بالادست و چه طرح‌های خاص فرحزاد تا حدی به جنبه‌های تفریحی و سیاحتی این محله توجه شده است. در نخستین طرح جامع تهران مصوب ۱۳۴۹ (مهندسین مشاور فرمانفرمایان و موسسه ویکتور گروئن، ۱۳۴۷)، با پیش‌بینی اینکه متعاقباً تعداد زیادی از روستاهای پیرامون در شهر مستحیل خواهند شد، جهت فرحزاد، به عنوان نمونه‌ای از روستاهای تفریحی، تمهیداتی در نظر گرفته شده است. این تمهیدات شامل ایجاد دسترسی از قسمت خرده‌فروشی به کنار رودخانه، ایجاد خطوط عابر پیاده به بقاع مقدس، تأمین فضای پارکینگ، مجاز نمودن مالکان به عمران اراضی خود با حفظ خصوصیات و کیفیت تفریحی منطقه (احداث ساختمان‌های مسکونی و هتل و رستوران تفریحی مشروط بر اینکه ارتفاع ساختمان‌ها از سه طبقه تجاوز نکند) و حفظ نگهداری قسمت قدیمی روستا و اراضی مشجر پیشنهاد شده است. با توجه به ماهیت غیربرنامه‌ای طرح‌های شهری کشور طی چند دهه اخیر (فقدان تعهد اجرا، مغفول ماندن مسئله تأمین منابع مالی و در نظر نگرفتن راهبرد و مسیر خاصی برای نیل به مقصود) تنها مجوز توسعه اراضی (البته بدون برنامه‌ای خاص) و بهسازی برخی از معابر ممکن بوده در چنین طرحی جدی گرفته شود.

در *الگوی توسعه منطقه ۲* (وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران، ۱۳۸۴) و *طرح جامع تهران مصوب ۱۳۸۵* (وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران، ۱۳۸۵)، فرحزاد به عنوان منطقه‌ای سکونتی- گردشگری در نظر گرفته و برای آن طرح‌های موضوعی و موضعی پیشنهاد شده است. *الگوی توسعه منطقه ۲* حاوی پیشنهادهایی جهت بهسازی و نوسازی فرحزاد، ساماندهی و گسترش فضاهای تفریحی و حفاظت، احیاء و عمران دره فرحزاد، پیوند کاربری‌های تفریحی سبز (درکه، پردیسان، فرحزاد و کوهستان) و احیاء و بهسازی بافت‌های ناکارآمد (اسلام‌آباد، جاویدآباد و فرحزاد) است. در *طرح جامع تهران مصوب ۱۳۸۵*، فقط به ساماندهی محور و مراکز شهری فرحزاد اشاره شده است. در کل، تکیه طرح‌های یادشده بر حل مشکلات موجود و آینده تهران از جمله مواجهه با افزایش جمعیت و توسعه شهری متوازن با توجه به تحولات اجتماعی و بستر اقتصادی و استفاده از استعدادهای بالقوه شهر است. توجه به عنصر آب و دره از نقاط قوت این طرح‌ها و عدم

عنایت به مشارکت و همگامی مردم در تصمیمات توسعه و تأمین مالی پایدار از نقاط ضعف آنهاست.

در طرح تفصیلی منطقه ۲ (مهندسین مشاور سراوند، ۱۳۸۵) که در پیوند با طرح جامع تهیه گردیده، جهت فرحزاد ساختار باغسار درون‌شهری با کاربری‌های تفریحی و گردشگری پیشنهاد و باغ‌های جنوبی آن الویت هفتم منطقه عنوان شده است. همچنین، این طرح فرحزاد را دارای بافت‌های فرسوده معرفی نموده، اما تمهیدی جهت آنها ارائه نکرده است.

طرح بهسازی و ساماندهی فرحزاد (مهندسین مشاور سراوند، ۱۳۸۶) و به تبع آن طرح منظر شهری فرحزاد (مهندسین مشاور سراوند، ۱۳۸۷) الگوی توسعه منطقه ۲ را به عنوان سند بالادستی مورد توجه قرار داده‌اند. اصول هادی طرح بهسازی و ساماندهی فرحزاد عبارت‌اند از ارتقاء کیفیت محیط شهری و سکونتی، توانمندسازی اجتماعی ساکنان و توسعه اقتصاد شهری فرحزاد و برنامه‌ریزی برای مشارکت مردم در منافع حاصل از توسعه فضایی و نیز ارتقاء بهره‌وری زمین و فضای شهری. این اصول از تفاوت‌های طرح بهسازی و ساماندهی فرحزاد با طرح‌های قبلی، در راستای توسعه پایدار و همخوان با توسعه گردشگری، است؛ اما اصل توانمندسازی ساکنان در طرح بهسازی و ساماندهی فرحزاد و نیز طرح منظر شهری فاقد برنامه یا تمهیدی جهت استفاده بهینه از توانایی‌ها و مهارت‌های فردی و گروهی و ایجاد فرصت‌های آموزشی به منظور ارتقاء مسئولیت، تعهد و انگیزش جماعت محلی است.

صرف نظر از موضوع اخیر، هرچند در اصول هادی طرح بهسازی و ساماندهی به مشارکت نیز اشاره شده است، اما برنامه‌ریزی مشارکتی بدون شناخت دقیق ارزش‌ها و دیدگاه‌های جماعت محلی عملاً میسر نیست. از این رو، طرح بیشتر به بیان مفهوم مشارکت مردم محلی یا حداقل مشارکتی از پیش تعیین‌شده پرداخته است. در مصاحبه با کارشناسان برنامه‌ریزی شهری نیز آنان اغلب بر ارزش‌ها و باورهایی تکیه کرده‌اند که به احتمال زیاد متناسب با وضعیت قشرهای متوسط جامعه است. همچنین، به قول یکی از کارشناسان شهرسازی، «در ابتدای کار لازم است مداخله بولدوزری و قدرتمندانه صورت گیرد و توجهی به مسائلی مثل مشارکت مردمی نشود». البته در طرح منظر شهری فرحزاد رویکرد بازسازی به بهسازی و نوسازی طرح بالادستش افزوده شده است و ظاهراً قرار نیست بولدوزر حرف اول را بزند.

دو موضوع مهم دیگر در طرح بهسازی و نوسازی سرمایه‌گذاری جهت ساخت مسکن و سرمایه‌گذاری در زمینه فرصت‌های گردشگری هستند. در مورد مسکن، ساخت باغ‌آپارتمان و باغ‌برج پیشنهاد شده است. نیل بدین مقصود به احتمال زیاد همراه با افزایش قیمت زمین و نهایتاً خروج ساکنان قبلی از محل و از این رو ناقص هدف احیای ارزش‌های گذشته و حفظ هویت جمعی خواهد بود. طی طرح، بحث سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری نیز بیشتر ناظر بر بهبود وضع کنونی رستوران‌هاست تا ارتقای زیرساخت‌ها جهت توسعه گردشگری. در واقع به واسطه کم‌عنایتی به مشارکت در نوسازی و بهسازی و بی‌توجهی به

مشارکت در امر توسعه گردشگری، انتظار نمی‌رود دو طرح بهسازی و نوسازی و منظر تأثیری مثبت بر گردشگری در محله فرحزاد بگذارند. البته در مصاحبه با کارشناسان به مسائل دیگری نیز، از جمله لازم‌الاجرا نبودن طرح و ظرفیت و اختیارات ناکافی شهرداری، به عنوان موانع تحقق طرح اشاره شده است. از آن مهم‌تر، به دلیل فقدان سند مالکیت نزد تعداد کثیری از ساکنان، امکان تحقق طرح تفصیلی و طرح بهسازی و ساماندهی کم بوده و در عمل هم با مشکلات متعددی روبه‌رو شده است. توضیح آنکه در پی راه‌اندازی دفتر تسهیلتی نوسازی در فرحزاد در سال ۱۳۸۹ توسط مهندسین مشاور سراوند، به دلیل ریزدانی اکثر پلاک‌ها، تجمیع یکی از اصلی‌ترین راه‌های نوسازی محله اعلام گشته و جهت تحقق آن اقداماتی مانند برگزاری جلسات هم‌اندیشی با ساکنان، مسئولان، رستوران‌دارها و اعضای بلوک‌های حساس و تشویق آنها به تجمیع گروهی (در کنار پیگیری اقدامات لازم در مورد پیاده‌روسازی محور شهید فرحزادی، برگزاری مسابقات گوناگون در مورد محله و تشکیل کانون جوانان و شرکت تعاونی صنایع‌دستی بانوان مبتکر) پیشنهاد شده است؛ اما دفتر یادشده سرانجام در خردادماه ۱۳۹۰ انحلال یافته است. به گفته کارشناس اجتماعی دفتر تسهیلتی سراوند و نیز دیگر مطلعان محلی، ابهامات حقوقی زمین‌های فرحزاد و فقدان شفافیت لازم موجب بروز شکاف بزرگی میان اولویت‌های اهل محل و برنامه‌های پیشنهادی بوده است. در نتیجه ساکنان درک دقیقی از اقدامات صورت گرفته توسط دفتر نوسازی نداشته و به آن بی‌اعتماد بوده‌اند.^۱

جهت فرحزاد فعالیت پژوهشی دیگری هم تحت عنوان طرح جامع منطقه نمونه گردشگری فرحزاد (مهندسین مشاور مهران‌نقش، ۱۳۸۹) انجام شده است. هدف از آن برنامه‌ریزی، ساماندهی و طراحی منطقه نمونه گردشگری در مقیاس استانی و ملی با نقش‌های تفریحی، گردشگری و زیارتی و بازدهی اقتصادی مناسب برای جامعه و سرمایه‌گذاران بوده است. طرح پیشنهادی برای محدوده شمالی فرحزاد و صرفاً جهت ۳۴ درصد از مساحت محله تهیه گردیده است. بنا بر اظهارات یکی از کارشناسان طرح، «هدف طراحی و ایجاد یک سایت گردشگری تا هم‌جواری بافت اصلی محله - با توجه به مسائل کالبدی و اجتماعی آن - است و با تحقق آن فرصت‌های شغلی برای ساکنان ایجاد خواهد شد». به‌رغم تلاش‌ها، این طرح در مراحل جنینی باقی‌مانده، زیرا تا کنون توافقی میان مراجع بالادست (سازمان میراث فرهنگی) و مشاور حاصل نگردیده است. پیش‌بینی تأمین مالی و احتمالاً معرفی سرمایه‌گذار (از بزرگ‌مالکان بومی) نقطه قوت طرح است؛ اما تأکید

^۱ البته، دفتر تسهیلتی بار دیگر در آذرماه سال ۱۳۹۲ به مدیریت مهندسین مشاور فرهنگ شروع به کار کرده است. به گفته کارشناس اجتماعی دفتر تسهیلتی جدید، مهم‌ترین مانع نوسازی مربوط به اسناد مالکیت سند و عدم شفافیت برنامه‌های بعدی است. به عقیده وی، دفتر پیشین و شهرداری با یکدیگر تعامل چندانی نداشته‌اند؛ از آنجا که دفتر جدید و شهرداری همکاری مناسبی با هم دارند، امکان تحقق طرح‌های پیشنهادی بیشتر شده است. در عین حال، به نظر نمی‌رسد در فعالیت‌های دفتر به فرصت‌های موجود جهت توسعه مشارکتی فعالیت‌های گردشگری توجهی شده باشد.

طرح صرفاً بر توسعه کالبدی محدوده است و طی آن در زمینه چگونگی مشارکت و جایگاه اهالی و نهادهای محلی سخنی به میان نیامده است. همچنین جایگاه اسناد بالادستی، مانند طرح تفصیلی منطقه ۲ (مهندسين مشاور سراوند، ۱۳۸۵)، در تمهیدات یادشده مبهم است. به طور مثال، طرح تفصیلی شامل پیشنهاد باغ شهر در محدوده جنوبی فرحزاد است، اما در طرح گردشگری اشاره‌ای به آن نشده است. هرچند اجرای طرح‌هایی از این دست بالاخره پایه نوعی توسعه یا حداقل مدیریت آن را فراهم می‌آورد، اما دستیابی به توسعه پایدار را به دلیل عدم توجه به نقش جماعت محلی میسر نخواهد کرد.

روی هم رفته در صورت اجرای طرح‌های فوق به احتمال زیاد تنها گروه کوچکی از ذی‌نفعان توسعه فعالیت‌های تفرجی/گردشگری از انگیزه‌ها و آثار مثبت تمهیدات بهره‌مند خواهند شد. در واقع تاکنون راهبرد مشخص و شفاف‌ی که در برگیرنده تمهیدات شهرداری از یک سو و فعالیت‌های بخش خصوصی و جماعت‌های محلی از سوی دیگر باشد برای توسعه فعالیت‌های تفرجی و سیاحتی فرحزاد تهیه نشده است. صرف نظر از متون طرح‌ها، بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، هماهنگی در بین دستگاه‌های بخش عمومی و نیز میان بخش عمومی و جماعت‌ها نیز در سطح مطلوبی قرار ندارد. کارشناسان شهرداری معتقدند حضور دیگر سازمان‌ها و افراد نه تنها از میزان مسئولیت آنها نمی‌کاهد، بلکه باعث ایجاد ناهماهنگی نیز می‌شود. آنان همچنین بر این باورند که در شرایط فعلی علائق گروه‌های قومی اغلب در انجام امور اختلال ایجاد می‌کند. در عین حال، شواهد نشان می‌دهد فعالیت‌های مسئولان بخش‌های گوناگون شهرداری و دیگر دستگاه‌ها الزاماً هماهنگ و خالی از همپوشانی و بعضاً تضاد نیست. از جمله درست معلوم نیست شورایاری باید چه نقشی در محله ایفا کند و از این رو به نظر می‌رسد این نهاد نتوانسته میان مردم محله برای خود جایگاه درخوری به دست آورد. به گفته ساکنان مصاحبه شده، اعضای شورایاری چندان مدافع حقوق اهل محل نیستند. همچنین، به گفته مقامات مسئول در شهرداری، به دلیل ضوابط دست و پاگیر و فقدان چارچوب‌های قانونی برای دریافت عوارض، آنان با محدودیت‌ها مالی و قانونی زیادی در حوزه اختیاراتشان مواجه هستند. البته، در مقابل، بسیاری از ساکنان مصاحبه شده نیز معتقدند با آنکه اجازه ساخت‌وساز به صورت قانونی به دشواری حاصل می‌شود، اما از ساخت‌وسازهای غیرقانونی هم چندان جلوگیری به عمل نمی‌آید.

بستر و موانع اجتماعی-فرهنگی

همان‌طور که توضیح داده شد، طی چند دهه گذشته، گروه‌های قومی مختلفی در فرحزاد ساکن شده‌اند. بر اساس نتایج مصاحبه‌های انجام شده در محله، این گروه‌ها اغلب دچار مشکلات مشترکی هستند، اما ناهمگونی اجتماعی از یک سو و تمهیدات ناکافی بخش عمومی و برنامه‌ریزان از سوی دیگر امکان ارتقای همبستگی و انسجام در محله را کاهش داده است. به نظر می‌رسد سطح پایین همبستگی تا حدی متأثر از کاهش انگیزه به سکونت در فرحزاد طی سال‌های گذشته است. مشکلات کالبدی و فرسودگی بافت در فرحزاد موجب

خروج بسیاری از بومیان قدیمی‌تر از محله و جایگزینی آنان با مهاجران جدید شده است. تعداد زیادی از مهاجران جدید از قشرهای فرودست هستند و به اعتقاد (درست یا نادرست) بسیاری از مصاحبه‌شدگان مشکلاتی دارند که بر امنیت محله تأثیر می‌گذارد.

هرچند مصاحبه‌شدگان متفق‌القول‌اند که انسجام و همکاری در سطح محله بی‌شک موجب بهبود وضع فرحزاد خواهد شد، اما اکثراً اعتقاد دارند که همبستگی‌ها در محله بیشتر درون‌گروهی و حائز اشکال سنتی است. مشخصاً، به گفته ساکنان مصاحبه‌شده، در میان گروه‌های قومی، روابطی نسبتاً صمیمی برقرار است، اعتماد به برخی معتمدان در سطوحی بالا قرار دارد و برخی تلاش‌های جمعی قابل‌مشاهده است. کوشش هر یک از گروه‌های قومی برای خواندن محله‌ها به اسم خود یا احداث مساجدی با نام‌های گروه‌ها قومی نمونه‌هایی از این همبستگی‌های درون‌گروهی هستند.^۱

در عین حال، کم‌رنگ بودن فعالیت‌های نهادهای محلی فراگیر و انحلال بعضی از آنها در سال‌های اخیر حاکی از شکل‌نگرفتن همبستگی‌های میان‌گروهی است. همچنین، پایبندی به برخی جنبه‌های فرهنگ سنتی درون‌گروهی و احترام هر یک از گروه‌های قومی به ریش‌سفیدان و معتمدان خود تا حدی امکان همکاری‌های میان‌گروهی را کاهش داده و به گفته بعضی از ساکنان مصاحبه‌شده موجب تحمیل علائق خاص به اعضای برخی جماعت‌ها به جای منافع گروهی و محله‌ای شده است. همچنین، به گفته مصاحبه‌شدگان، در بسیاری موارد بین گروه‌های مختلف و نیز میان آنها و دستگاه‌های بخش عمومی بی‌اعتمادی و سلب مسئولیت از خود مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد عدم اعتماد به دستگاه‌های بخش عمومی تا حد زیادی به بهره‌بردن تنها گروه‌های کمی از ساکنان از تمهیدات آنها و نیز معطل ماندن یا کم‌اثر بودن بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌ها بازمی‌گردد. البته مالکان رستوران‌ها بر این باورند که هر فردی می‌تواند از رشد اقتصادی که در محله اتفاق افتاده است بهره‌مند شود؛ اما مشکلات بسیاری از ساکنان جهت تأمین نیازهای اساسی منجر به محدود شدن آنان در استفاده از منافع و فرصت‌های محلی شده است. در هر صورت بسیاری از ساکنان، چه قدیمی و چه جدید، معتقدند داشتن رستوران و زمین و منافع اقتصادی حاصل از آن برای گروه معدودی باعث شده است آنها تمایلی به کسب آگاهی از فرصت‌های دیگر در فرحزاد نداشته باشند.

بر پایه مصاحبه‌ها و مشاهدات، یکی از نکات قابل توجه در فرحزاد وجود نوعی نظام ارزشی مبتنی بر مالکیت زمین است که البته آن را باید بازتابی از اقتصاد سیاسی شهری در کشور و به ویژه در پایتخت تلقی کرد. زمین به عنوان مهم‌ترین سرمایه اقتصادی در محله کانون رقابت میان افراد و گروه‌های مختلف ساکن و صاحب، چه قدیمی و چه جدید، قرار دارد. برخی از روابط قدرت نیز یا پیرامون مسئله زمین شکل گرفته‌اند یا کارکرد اصلی‌شان

^۱ نتایج مطالعات دفتر تسهیلگری سراوند نیز حاکی از آن است که ساکنان در برگزاری مراسم و مناسک و حل مناقشات همسایگی بیشترین همکاری و در زمینه‌های کاری کمترین همکاری را با یکدیگر داشته‌اند (مهندسين مشاور سراوند، ۱۳۹۰).

مرتبط با دستیابی به زمین است. ظاهراً تکاپو در زمینه دستیابی به زمین و به تبع آن ارتقای منزلت اجتماعی به واسطه بهره‌مندی از ثروت شکاف‌های اجتماعی، از جمله مرزبندی میان بومیان و مهاجران و ثروتمندان و فرودستان را گسترده‌تر کرده است.

به گفته کارشناسان شهرداری و سازمان نوسازی، فقدان سند و اجرایی نشدن طرح‌ها با زندگی ساکنان گره خورده است و انجام هر اقدامی را منوط به رفع این موضوع می‌کند که خود به دلیل معارضات متعدد و منافع اقتصادی موجود در بخش تجاری و عدم همکاری صاحبان به تلاش‌های بسیار بیشتر نیازمند است. بر پایه مصاحبه با شهردار و کارشناسان اجتماعی ناحیه، بخش عمومی نیز به دلیل مشکلات موجود مانند فقدان سند، آسیب‌های اجتماعی، گستردگی بافت فرسوده و وجود رستوران‌های غیرمجاز، فرصتی برای جلب مشارکت ساکنان نمی‌بیند. به عقیده اکثر ساکنان، کارشناسان شهرداری، مالکان زمین و رستوران‌دارهای مصاحبه شده، اهالی فرحزاد الزاماً توسعه فعالیت‌های گردشگری را، به ویژه به دلیل شرایط موجود و فقدان آگاهی کافی نسبت به فرصت‌ها، موجب بهبود وضعیت فرحزاد نمی‌دانند. آگاهی در مورد دارایی‌ها خود بیشتر بر اساس کسب منافع از آنها حاصل می‌شود. هرچند اکثر مصاحبه‌شدگان از فرحزاد به عنوان منطقه‌ای ییلاقی نام می‌برند، اما به نظر می‌رسد نزد ذی‌نفعان دارایی‌ها و فرصت‌های توسعه گردشگری فرحزاد به خیابان اصلی رستوران‌ها تقلیل یافته است. افزون بر این، نظر به گسترش روزافزون و نامنظم رستوران‌ها از یک سو و حصول منافع آن توسط گروهی محدود از سوی دیگر، بسیاری از ساکنان بر این باور هستند که منافع گردشگری برای ساکنان محله فقط در ایجاد مشاغل دوطرفه خلاصه می‌شود و چشم خود را به روی دیگر دارایی‌ها و فرصت‌های موجود بسته‌اند. مثلاً طی مصاحبه‌ها اکثراً از توانایی‌های گروه‌های قومی متنوع محله در تولید صنایع دستی گوناگون اظهار بی‌اطلاعی شده است. بر پایه مصاحبه با زنان فرحزاد و نیز برخی دیگر از ساکنان و امام جماعت محله، ملاحظات پدرسالارانه نیز در ایجاد دیدگاه‌های منفی نسبت به رشد رستوران‌ها در خیابان اصلی محله و تردد بیگانگان در آن مؤثر بوده است. به گفته آنان، بسیاری از خانواده‌ها زنان و دختران خود را از حضور در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری منع می‌کنند. در عین حال، توجه صرف به منافع آنی و قابل رؤیت اقتصادی منجر به بی‌علاقگی نسبت به مشارکت در بهره‌گیری بیشتر از دارایی‌ها و فرصت‌های فرحزاد شده است. از این رو، هر چند تمایل ذهنی به مشارکت تا اندازه‌ای در جماعت‌های محلی مشاهده می‌شود، اما فقدان بستر مناسب برای مشارکت، نگاه منفی ساکنان به مدیریت شهری و دیگر نهادهای بخش عمومی و نیز تمرکز نسبی قدرت در دست گروهی خاص تحقق مشارکت را با مانع روبرو ساخته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این مقاله وضعیت تفرجی-سیاحتی فرحزاد، برنامه‌های تهیه‌شده برای محله/منطقه و دیدگاه‌های ذی‌نفعان از منظر مشارکت مورد تحلیل قرار گرفته است. بر اساس یافته‌ها،

فرحزاد دارای ساختار کالبدی ناهمگون، بافت فرسوده در برخی بخش‌ها و مشکل فقدان سند مالکیت نزد بسیاری از ساکنان است. همچنین، مشکلات کالبدی محله بر وضعیت اجتماعی-اقتصادی محله تأثیر گذاشته‌اند. رشد شتابان کسب‌وکارهای مرتبط با فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی در بخش خاصی از محله هم به لحاظ جغرافیایی و هم از منظر اجتماعی-اقتصادی متمرکز شده است. وضع اعتماد متقابل و همبستگی میان گروه‌های قومی ساکن و نیز نسبت به نهادهای مدیریتی و مدنی در سطوحی نازل قرار دارد. افزون بر این، در میان جماعت‌های ساکن حس تعلق به محله نسبتاً پایین و تا حد زیادی متأثر از مسائل کالبدی، از جمله فرسودگی و فقدان سند مالکیت نزد بسیاری از اهالی از یک سو و آسیب‌های اجتماعی احساس‌شده از سوی دیگر، است. برنامه‌هایی که جهت فرحزاد تدوین گردیده بر ویژگی سکونت-گردشگری فرحزاد تأکید کرده‌اند، اما در آنها به الزام مشارکت ساکنان و دیگر ذی‌نفعان و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان کمتر توجه شده است. کوشش‌هایی که توسط بخش عمومی صورت گرفته فاقد ارزش نیست اما رویکرد بالا به پایین در برنامه‌ها و نیز عدم هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف دست‌آوردهای نسبتاً کمی برای محله داشته است.

بر این اساس، نخستین گام در صورت‌بندی و اجرای برنامه‌های توسعه فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی توجه به ساختار اجتماع محلی و تلاش در تسهیل مشارکت ذی‌نفعان طی فرآیندهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. بی‌شک مشارکت جماعت‌های محلی بدون کسب منافع از آن میسر نخواهد بود. در حال حاضر، به نظر بسیاری از اهالی محله، تنها صاحبان رستوران‌ها و مالکان از منافع توسعه فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی فرحزاد بهره‌مند می‌شوند. همچنین، قدرت اقتصادی رستوران‌داران و مالکان ممکن است باعث غلبه نظر آنان نزد نهادهای بخش عمومی و افزایش بی‌اعتمادی در محله شود. از این رو، برنامه‌های توسعه در فرحزاد باید به توزیع بهتر منافع حاصل از فعالیت‌های تفریحی و سیاحتی منجر گردند. ارتقای آگاهی ذی‌نفعان نسبت به دارایی‌ها و فرصت‌های محله گامی نخست در این مسیر است و باید برای آن برنامه‌ای مشخص صورت‌بندی کرد. مهم‌تر از آن به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلات محله از طریق حل مسئله فراگیر مالکیت بر طرف خواهد شد. تلاش و توفیق بخش عمومی در حل مسئله مالکیت حس تعلق به محله و متعاقباً علاقه به مشارکت در اهالی را افزایش خواهد داد.

هر چند ساختار قومی فرحزاد تا حدی مانع شکل‌گیری انسجام در سطح محله و در نتیجه مشارکت است، اما حضور شبکه‌های غیررسمی از قبیل فرحزادی‌ها، قوچانی‌ها، خلخالی‌ها و مانند اینها در محله را می‌توان نقطه قوتی نیز محسوب کرد. با توجه به سابقه همکاری‌ها و وجود سرمایه اجتماعی درون گروهی، می‌توان با ایجاد ساختارهای رقابت مثبت میان گروه‌های قومی مشارکت آنها را جلب کرد. در عین حال، با تسهیل شکل‌گیری نهادهای فراگروهی و ارتقای روابط میان گروهی می‌توان دسترسی اعضا را به منابع و منافع افزایش داد. سرانجام آنکه شناخت توانمندی‌های زنان ساکن در فرحزاد و تضمین

مشارکتشان در توسعه فعالیت‌های تفرجی و سیاحتی (به ویژه از طریق آموزش و تسهیلگری و پرورش کارآفرینی) بالقوه حائز دست‌آوردهای قابل توجه اقتصادی و اجتماعی برای آنان و بقیه اعضای جماعت خواهد بود.



منابع

شهرداری منطقه دو (۱۳۸۹)، «طرح شناسنامه محلات شهرداری منطقه دو تهران»، گزارش داخلی. فرمانفرمایان، عبدالعزیز و موسسه ویکتور گروئن (۱۳۴۷)، «طرح جامع تهران»، سازمان برنامه و بودجه.

مهندسین مشاور سراوند (۱۳۸۵)، «طرح تفصیلی»، شهرداری منطقه دو تهران. مهندسین مشاور سراوند (۱۳۸۶)، «طرح بهسازی و ساماندهی فرحزاد»، شهرداری منطقه دو تهران، ج ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵.

مهندسین مشاور سراوند (۱۳۸۷)، «طرح منظر شهری»، شهرداری منطقه دو تهران. مهندسین مشاور سراوند (۱۳۹۰)، «گزارش اتنوگرافی (گزارش زمینه‌ها و فرصت‌های توانمندسازی محله فرحزاد)»، سازمان نوسازی شهر تهران.

مهندسین مشاور مهرآز نقش (۱۳۸۹)، «طرح جامع منطقه نمونه گردشگری فرحزاد»، گزارش میان-دوره (بخش اول، دوم و سوم)، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران (۱۳۸۴)، «الگوی توسعه منطقه ۲»، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.

وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران (۱۳۸۵)، «طرح جامع تهران»، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

Botes, L. and D. von Rensburg (2000), Community Participation in Development: Nine Plagues and Twelve Commandments, *Community Development Journal*, Vol. 35, No. 1, pp. 41-58.

Cole, S. (2006), Information and Empowerment: The Keys to Achieving Sustainable Tourism, *Journal of Sustainable Tourism*, Vol. 14, No. 6, pp. 629-644.

Haywood, K.M. (1988), Responsible and Responsive Tourism Planning in the Community, *Tourism Management*, Vol. 9, No. 2, pp. 105-118.

ama, T... and .. ee zz 1995,, "oolloboaaiion Theoy and oommunity Toummmm Paanning", *Annass of Tourism Research*, Vol. 22, No. 1, pp. 186-204.

Keogh, B. (1990), Public Participation in Community Tourism Planning, *Annals of Tourism Research*, Vol. 17, pp. 449-465.

Lea, J. (1988), *Tourism and Development in the Third World*. London: Routledge.

Murphy, P.E. (1985), *Tourism: A Community Approach*. New York: Methuen.

Simmons, D.G. (1994), Community Participation in Tourism Development, *Tourism Management*, No.15, No. 2, pp. 98-108.

Timothy, D.J. (1999), Participatory Planning: A View of Tourism in Indonesia, *Annals of Tourism Research*, Vol. 26, No. 2, pp. 371-391.

Tosun, C. (1999). "Limits to Community Participation in the Tourism Development Process in ee veoqing oo uniiiie", *Tourism Management*, Vol. 21, pp. 613-633.

Touun, .. and mnhly 22003,, "Agggumenss for oommunity Participation in the Toummmmveoqpment Poccass", *The Journal of Tourism Studies*, Vol. 14, No. 2, pp. 1-15.

Woodley, A. (1993), Tourism and Sustainable Development: The Community Perspective. In J.G. Nelson, et. al. (eds.), *Tourism and Sustainable Development: Monitoring, Planning, Managing*, Waterloo: University of Waterloo, pp. 135-146.